



مرکز تحقیقات استراتژیک
معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی

گزارش

شماره ۲۴۸

آذر ۱۳۹۵



زهره خان محمدی
مرکز تحقیقات استراتژیک

تحلیلی بر نشست سالانه سازمان پیمان امنیت جمعی؛

تطبیق با شرایط بین‌المللی در سایه اختلاف داخلی

مبارزه با تروریسم و مواد مخدر در راستای فائق آمدن
بر چالش‌های جدید ناشی از بحران‌های ژئوپلیتیک
اوراسیا ارزیابی شد.

مقدمه

نشست سالانه کشورهای عضو سازمان پیمان امنیت جمعی با حضور رهبران روسیه، بلاروس، تاجیکستان، قرقیزستان و ارمنستان در اواسط اکتبر سال جاری در ایروان برگزار شد. در نشست مذکور اعضا به انعقاد قراردادهای متعددی پرداختند که استراتژی امنیت جمعی تا سال ۲۰۲۵ در زمره مهم‌ترین آن‌ها قرار دارد. در استراتژی فوق از کشور یا سازمانی تصریحاً به عنوان دشمن بالقوه نام برده نشده اما چالش‌ها و تهدیداتی چون داعش (IS) - که پیش از این هرگز وجود نداشت - و ناتو - که در مفهوم امنیت جمعی ۱۹۹۵ به عنوان شریک بالقوه انتخاب شده بود^۱ - تلویحاً قابل استنباط می‌باشند. همچنین تحکیم مرزهای خارجی - آسیای مرکزی در درجه اول - و نیز

برخی مصوبات مورد
توافق در نشست

تصویب استراتژی امنیت جمعی تا سال ۲۰۲۵

ایجاد فهرستی از ابزارهای مضاعف به منظور مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی بین‌المللی در چارچوب سازمان تهیه فهرستی مشترک از سازمان‌های تروریستی شناسایی شده

بیانیه رهبران کشورهای عضو راجع به مناقشه ناگورنو - قره‌باغ

بیانیه رهبران راجع به پیامد فعالیت‌های یک‌جانبه هم‌چون استقرار سیستم دفاع موشکی بر امنیت و ثبات بین‌المللی

بیانیه رهبران راجع به حفظ و حراست از مرزهای دول عضو

تصمیم شورا در رابطه با مرکز واکنش به بحران سازمان

تصمیم شورا راجع به مفهوم استاندارد سازی تسلیحات و تجهیزات نظامی در چارچوب پیمان امنیت جمعی آماده‌سازی مشترک در رابطه با توسعه کارکنان نظامی نیروهای مسلح تا ۲۰۲۰

۱. این موضوع در سند ۱۹۹۵ سازمان در قسمت "تروریسم بین‌المللی، سیاست تهدید" در بخش گسترش اقدامات اعتمادساز در زمینه نظامی به شرح ذیل آمده است: ایجاد و توسعه مشارکت برابر با ناتو و سایر سازمان‌های سیاسی و نظامی و ساختارهای امنیتی منطقه با هدف راه‌حل موثر در جهت تحکیم صلح.

۴. انجام فعالیت‌هایی با هدف اختلال در حاکمیت و نظم قانونی موجود در دولت‌های عضو سازمان؛

انعکاس موضوع اوکراین در به روز رسانی استراتژی با بهره‌گیری مستقیم از اصطلاحاتی چون "انقلاب رنگی" و یا "جنگ هیبریدی" کاملاً برجسته است که البته نویسندگان به موازات آن به موضوع امنیت داخلی کشورهای عضو سازمان نیز توجه داشته‌اند.

۵. احتمال تجاوز و یا نفوذ به خاک دولت‌های عضو از سوی گروه‌های مسلح، تروریست‌های نظامی بین‌المللی و سازمان‌های افراط‌گرا.

در فضای موجود این نگرانی نه تنها مربوط به دولت‌های آسیای مرکزی است بلکه همسایگان اوکراین مشتمل بر روسیه و بلاروس را دربرمی‌گیرد؛ چراکه رادیکال‌ها با رویای "بازپس گرفتن سرزمین" و یا "صدور انقلاب" سعی در نفوذ دارند.

موضوع داعش مستقیماً دربخش تروریسم و افراط‌گرایی بین‌المللی بیان نشده است اما این مورد به صورت تلویحی از متن استراتژی قابل استنباط است. این مهم با توجه به رشد فعالیت‌های تروریستی شهروندان دولت‌های عضو سازمان اهمیتی فزاینده یافته است؛ چراکه افراد فوق پس از طی آموزش‌های نظامی در سطح سازمان‌های تروریست بین‌المللی به کشورهای خود بازخواهند گشت.^۲

هرچند اعضای سازمان بر اساس تهدیدات موجود در فضای بین‌المللی، استراتژی ۲۰۲۵ را بازتعریف نموده‌اند و نسبت به آن به اجماعی دست یافتند اما در درون خود و در قبال مسائل داخلی

در نشست فوق مواردی چون استراتژی ۲۰۲۵، عدم تعیین ریاست دوره‌ای شورا و نیز اعلام بیانیه قره‌باغ قابل تبیین و بررسی می‌باشد.

در استراتژی ۲۰۲۵ برخی مسائل بر اساس شرایط موجود بین‌المللی مورد بازنویسی قرار گرفت که برخی از آنها چون چالش‌ها و تهدیدات مدرن سازمان در دو بعد داخلی و خارجی حائز اهمیت می‌باشد. چالش‌ها و تهدیدهای مدرن سازمان به وضعیت سیاسی-نظامی جهان و منطقه در مجاورت با حوزه وظایف سازمان اشاره دارد که بر نظام امنیت جمعی تاثیر منفی دارند یا ممکن است داشته باشند.

برخی از مهم‌ترین تهدیدات خارجی که در این سند مورد اشاره قرار گرفته‌اند شامل موارد زیر می‌شود:

۱. اجرای سیاست سایر دولت‌ها با هدف کسب تفوق در حوزه نظامی؛

۲. استقرار یک‌جانبه سیستم‌های دفاع موشکی توسط دولت یا گروهی از دولت‌ها بدون در نظر داشتن منافع قانونی سایر کشورها و یا بدون ضمانت قانونی مستمر؛

در این رابطه باید توضیح داد که مجموع کلمات مبهم فوق مشخصاً به استقرار سیستم دفاع موشکی ایالات متحده در رومانی در بهار ۲۰۱۶ و نیز سیستم دفاع موشکی برنامه‌ریزی شده متعلق به دولت مذکور در لهستان و سایر سیستم‌های فرضی مشابه در رابطه با قلمرو روسیه اشاره دارد.

۳. احتمال ایجاد "حمله جنگ جهانی" و استقرار سیستم‌های استراتژیک غیرهسته‌ای و تسلیحات پیشرفته و یا نیت قرار دادن آن در فضا،

2. [http:// russiancouncil. ru/ en/ blogs/ eurasian-chronicle/? id_4=2884](http://russiancouncil.ru/en/blogs/eurasian-chronicle/?id_4=2884)

مراودات گسترده‌ای برخوردارند.^۳ حتی برخی غیبت نورسلطان نظربایف در نشست را با این مورد مرتبط می‌دانند.

در مجموع می‌توان اظهار داشت که با توجه به نقش محوری روسیه در سازمان پیمان امنیت جمعی، درگیری مسکو در سایر نقاط جهان در طولانی مدت ممکن است سازمان را از هدف اصلی خود دور نماید و از کارکردهای واقعی آن بکاهد. علاوه بر این، فقدان دستاوردهای مشخص از یک سو و حاکم بودن رویکرد سیاسی بر سازمان پیمان امنیت جمعی در کنار سایر سازمان‌های روس محور چون سازمان همکاری شانگهای و یا حتی اتحادیه اقتصادی اوراسیا از سوی دیگر سبب می‌شود تا سایر کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران نسبت به سطح همکاری با دو سازمان فوق با ملاحظه بیشتری اقدام نمایند.

موفق نبودند. صدور بیانیه‌ای نه چندان جدی و قاطع علیه آذربایجان در رابطه با بحران قره‌باغ از جمله آن است. در بیانیه فوق موضوعات پیشین و حل بحران در قالب گروه مینسک مجدداً مورد تأکید قرار گرفت که خواسته ایروان را تأمین نمود. دستور کار بیانیه قره‌باغ هم به انتقادات ایروان در سال‌های ۲۰۱۳، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ در رابطه با عدم پاسخ مناسب اعضا نسبت به توپخانه دائم آذربایجان در مناطق پرجمعیت ارمنستان بازمی‌گردد و دولت مذکور انتظار صدور بیانیه در این رابطه را داشت اما این موضوع نیز محقق نگردید. این امر سبب می‌شود تا سایر اعضا در صورت درگیری در بحران‌های منطقه، اطمینانی نسبت به کارکرد سازمان نداشته باشند همان‌طور که روسیه در بحران اوکراین فعالیت و هماهنگی ویژه‌ای را از سوی اعضا شاهد نبود که این امر به منزله عدم کارویژه سازمان تلقی می‌شود. انتقال تصدی ریاست شورای امنیت جمعی از ارمنستان به بلاروس نیز به‌عنوان موضوع مهم دیگر که در دستور کار قرار داشت مورد بحث و بررسی قرار نگرفت و حتی از دستور کار خارج و به نشست آتی در نوامبر ۲۰۱۶ در سنت پترزبورگ موکول شد.

لازم به ذکر است که محوریت روسیه در این سازمان و روابط عمودی (دوجانبه) آن با سایر کشورها مانع از تعمیق روابط اعضا با یکدیگر به صورت افقی شده است و این موضوع سبب شده تا هر یک منافع متفاوتی را در قبال موضوع‌های واحد پیگیری نمایند. بر این اساس انتظار صدور بیانیه جدی در رابطه با بحران قره‌باغ و محکوم کردن آذربایجان ساده‌انگارانه به نظر می‌رسد؛ چراکه از یک‌سو اعضا راجع به مسئله اجماع نظر نداشتند و از سوی دیگر برخی اعضا چون قزاقستان، قرقیزستان و حتی بلاروس با این کشور از

۳ میزان صادرات و واردات کشورهای ذیل با جمهوری آذربایجان بر اساس هزار دلار از ۲۰۱۵-۲۰۱۱ بدین ترتیب است:

میزان صادرات	میزان واردات	
۷۶۶,۳۸۴	۸۷۲,۰۹۹	بلاروس
۱,۲۸۰,۹۹۱	۲۲۴,۷۷۱	قزاقستان
۱۴,۷۸۲	۳۲,۵۵۴	قرقیزستان

<http://wits.worldbank.org/CountryProfile/en/Country/KGZ/StartYear/2011/EndYear/2015/TradeFlow/Import/Indicator/MPRT-TRD-VL/Partner/AZE/Product/Total>